

حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام در هیچ جنگ و  
جهادی شرکت نکرد مگر این که پیروز برگشت.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می گفت:

«عَلَى أَشْجَعُ النَّاسِ قَلْبًا»

علی، شجاع ترین و قویدل ترین مردم است



حریف را فقط با یک بار زدن می کشت و در حدیث است که:

«کانت ضرباتۀ وترا»

ضربت شمشیر او همیشه تک ضرب بود.



پیامبر اسلام می گفت: «عَلَى سَيْفِ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِ»  
علی، شمشیر خدا است که بر روی دشمنان خدا کشیده می شود

حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام بیشتر پیاده می جنگید و

اگر هم سوار اسبی می شد،

چندان برایش مهم نبود

به حضرتش گفته شد که چرا سوار اسب نمی شود؟

پاسخ داد: اسب یا برای تعقیب حریفی است که از میدان بگریزد و

یا برای این است که کسی بخواهد خود بگریزد و من نه کسی

هستم که پشت به دشمن کنم و بگریزم و نه کسی هستم که اگر

کسی گریخت تعقیبش کنم. پس اسب را برای چه می خواهم؟

حضرت زرهش تنها سینه اش را می پوشاند و هرگز پشت

نداشت

از او پرسیدند که چرا زرهش پشت ندارد؛ آیا نمی ترسد که کسی

از پشت به او ضربتی بزند؟

در پاسخ فرمود: من هرگز به دشمن پشت نمی کنم و از میدان

نمی گریزم و خدا هرگز آن روز را نخواهد آورد.



شجاعت و استواری حضرت علی علیه السلام در جنگ ها چنان  
بود که هرگاه مشرکان و کافران او را در جنگ می دیدند به  
همدیگر وصیت می کردند مثل این که مرگ را با چشم خود دیده  
باشند



هرگاه که دو صف برای جنگ مقابل هم صف می کشیدند،

مردم به یکدیگر می گفتند :

ملک الموت در همان صفی باید باشد که علی با آن صف است و

صف مقابل خواهی نخواهی باید خود را برای مرگ آماده کنند.





روزی یکی از سرداران سپاهش به او گفت که اگر اسب‌ها آشفته  
و ما از همدیگر دور شدیم،  
تو را کجا بیابیم؟ در پاسخ فرمود:  
در همان جایی که از من دور شده‌اید.  
حاکمی از این که در همین جایی که هستم خواهم بود.

حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام از نان دنیا به نان جو  
بسند کرده بود و از نان گندم نمی خورد تا آنجا که مردم از  
تعجب می پرسیدند:

پسر ابوطالب با این غذا و خوراک اندک چگونه در کشتن هم  
آوردان و پهلوانان ناتوان نمی شود؟!

مولا علی علیه السلام در پاسخ فرمود: بدانید آن درختی را که در  
بیابان خشک می روید،

شاخه اش سخت تر باشد .

ولی سبزه ها و گیاهان خوش نما را پوست نازک تر باشد .

آری خارها و بوته های صحرایی را آتشی افروخته تر باشد و

خاموشی آنها دیرتر رخ دهد،

ولی گیاهی که در ناز و نعمت روییده باشد،

چون بیدی به هر بادی بلرزد

سعد بن ابی وقاص می گوید :

روز جمعه ای با رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز صبح را به جماعت خواندیم. آن گاه پیامبر رو به ما کرد و بر خداوند متعال

درود فرستاد و فرمود :

روز قیامت من می آیم در حالی که علی بن ابیطالب علیه

السلام پیش روی من است و به دستش لوای حمد دارد. لوای حمد دو تکه است، تکه ای از سندس (حریر و دیبا) و تکه ای از

استبرق (حریر زربفت)

در این هنگام مردی بادیه نشین با شتاب به طرف رسول خدا رفت

و گفت: « در باره علی بن ابی طالب چه می گویی، زیرا درباره او

اختلاف فراوانی وجود دارد»

رسول خدا لبخندی زد و فرمود: « ای اعرابی، چرا درباره علی

اختلاف فراوانی وجود دارد؟ علی رابطه اش با من مانند سرم برای

بدنم است و مانند دکمه برای لباسم. » (رسول خدا می خواهد

بگویند همان گونه که بدن بدون سر حیاتی ندارد و لباس بدون دکمه کاربردی ندارد، پیامبر منهای علی برای هیچ کس فایده ندارد؛ باید در کنار رسول خدا، علی را پذیرفت و به او مؤمن بود. آن عرب بادیه نشین با خشم به پیامبر گفت: «ای محمد، من نیرو و قدرتم از علی بیشتر است. آیا علی می تواند لوای حمد را حمل کند؟»

پیامبر فرمود: «آرام بگیر، اعرابی! همانا خداوند روز قیامت به علی ویژگی های گوناگونی عنایت می کند: به او زیبایی یوسف می دهد و زهد یحیی و صبر ایوب و بخشش آدم و نیروی جبرئیل لوی حمد به دست اوست، همه مردم در زیر این لواء هستند و گرداگرد او را امامان و تلاوت کنندگان قرآن و اذان گوینان گرفته اند. و آنها کسانی هستند که در قبرها به بدنهایشان کرم نمی افتد.»

امام صادق علیه السلام فرمود :

هنگامی که جبرئیل اذان و اقامه را از سوی خداوند بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل کرد، سر مبارک پیامبر در دامان علی علیه السلام بود .

جبرئیل اذان و اقامه را گفت. رسول خدا برخاست و

فرمود: «ای علی، شنیدی؟»

علی علیه السلام پاسخ داد: «آری»

فرمود: «بلال را صدا بزن و آن را به او بیاموز»

علی علیه السلام نیز بلال را فرا خواند و اذان را به او آموخت .

در مناقب خوارزمی از رسول خدا صلی الله علیه و آله مروی است که فرمود: یا علی! اگر بنده ای از بندگان عبادت خدا کند به قدر آنچه نوح علیه السلام در قوم خود به عبادت و رسالت مشغول بود و آن بنده را مثل کوه اُحُدْ طلا باشد در راه حق تعالی همه آن را به فقرا و مساکین رساند و آن قدر عمرش دراز شود که هزار حج پیاده کند و بعد از اینها در میان صفا و مروه مظلوم کشته شود و با این همه، تو را ای علی! دوست نداشته باشد، بوی بهشت به مشام او نخواهد رسید و داخل جَنّت نخواهد شد.

خوارزمی در مناقب نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دوستی علی حسنه و ثوابی است که با آن هیچ سیئه و گناهی به بنده ضرر نمی رساند و بغض و دشمنی آن حضرت گناهی است که با وجود آن هیچ حسنه و ثوابی و نفع به آن شخص نمی رساند.

امیرالمؤمنین علیه السلام شجاع ترین خلق الله بود، ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه (ج ۱، صص ۲۹ و ۲۸) می گوید:

پادشاهان فرنگ و روم صورت آن حضرت را در عبادت خانه های خود کشیده اند و می کشند و به شمشیری که حمایل می کنند، نام او را نقش می نمایند و ملوک دیلم صورت او را در سینه های خود به جهت و واسطه فتح و نصرت و تیمن و تبرک می کشیده اند و در شمشیر پادشاهان صورت آن حضرت بوده است و کفار به هر مذهبی که باشند از نام او استمداد می جویند.



از عبدالله رافع نقل می کنند که: نعلین علی علیه السلام از لیف خرما بود و جامه را گاهی به پوست و گاهی به لیف خرما پینه می زد و دو جامه را به چهارده درهم می خرید، یکی را به قنبر می داد و یکی را خود می پوشید. نان خورش آن حضرت سرکه بود یا نمک و اگر بر اینها زیاده نمودی از سبزی ها و گیاه های زمین، خورشت ساختی، و از گوشت مکرر نخوردی و اگر هم خوردی بسیار کم خوردی و فرمودی که شکم خود را مقبره حیوانات مسازید، غلاف شمشیرش از لیف بود و جامه را کوتاه پوشیدی و درشت.

سعد بن ابی وقاص : شنیدم که پیامبر (ص) در روز جحفه، دست علی را گرفت و خطبه‌ای خواند و خدای را ستود و سپس گفت: ای مردم! من ولی شمایم. مردم گفتند: راست می‌گویی ای رسول خدا! سپس پیامبر (ص) دست علی را گرفت و بالا برد و گفت: این ولی من است و دین مرا از سوی من به انجام می‌رساند و من دوستم با کسی که با او دوست باشد و دشمنم با کسی که دشمنش باشد.

عبیده سلمانی: یک سال با عبدالله بن مسعود همراه بودم؛ سپس  
با علی همراه شدم؛ همانا برتری علمی علی بر عبدالله، همچون  
برتری مهاجر بر اعرابی (بیابان نشین های بی سواد) است

ابوسعید خدری : منافقان انصار را صرفاً از روی دشمنی شان با علی  
می شناختیم.



پیامبر(ص) خطاب به علی(ع): برخیز! بخدا سوگند که تو را خشنود  
خواهم کرد، تو برادرم و پدر فرزندانم هستی، و بر سنت من  
می‌جنگی؛ هرکس بر پیمان من بمیرد، در گنج الهی است و  
هرکس بر پیمان تو بمیرد، به عهد خویش وفا کرده است؛ و  
هرکس بمیرد در حالی که تو را پس از مرگت دوست بدارد، خدا  
پایان کارش را در آسایش و ایمان می‌نهد مادام که خورشیدی  
طلوع یا غروب کند.

امام صادق علیه السلام فرمود :

هنگامی که جبرئیل اذان و اقامه را از سوی خداوند بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل کرد، سر مبارک پیامبر در دامان علی علیه السلام بود .

جبرئیل اذان و اقامه را گفت. رسول خدا برخاست و

فرمود: «ای علی، شنیدی؟»

علی علیه السلام پاسخ داد: «آری»

فرمود: «بلال را صدا بزن و آن را به او بیاموز»

علی علیه السلام نیز بلال را فرا خواند و اذان را به او آموخت .

امام صادق علیه السلام فرمود :

هنگامی که جبرئیل اذان و اقامه را از سوی خداوند بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل کرد، سر مبارک پیامبر در دامان علی علیه السلام بود .

جبرئیل اذان و اقامه را گفت. رسول خدا برخاست و

فرمود: «ای علی، شنیدی؟»

علی علیه السلام پاسخ داد: «آری»

فرمود: «بلال را صدا بزن و آن را به او بیاموز»

علی علیه السلام نیز بلال را فرا خواند و اذان را به او آموخت .

امام صادق علیه السلام فرمود :

هنگامی که جبرئیل اذان و اقامه را از سوی خداوند بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل کرد، سر مبارک پیامبر در دامان علی علیه السلام بود .

جبرئیل اذان و اقامه را گفت. رسول خدا برخاست و

فرمود: «ای علی، شنیدی؟»

علی علیه السلام پاسخ داد: «آری»

فرمود: «بلال را صدا بزن و آن را به او بیاموز»

علی علیه السلام نیز بلال را فرا خواند و اذان را به او آموخت .



امام صادق علیه السلام فرمود :

هنگامی که جبرئیل اذان و اقامه را از سوی خداوند بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل کرد، سر مبارک پیامبر در دامان علی علیه السلام بود .

جبرئیل اذان و اقامه را گفت. رسول خدا برخاست و

فرمود: «ای علی، شنیدی؟»

علی علیه السلام پاسخ داد: «آری»

فرمود: «بلال را صدا بزن و آن را به او بیاموز»

علی علیه السلام نیز بلال را فرا خواند و اذان را به او آموخت .

امام صادق علیه السلام فرمود :

هنگامی که جبرئیل اذان و اقامه را از سوی خداوند بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل کرد، سر مبارک پیامبر در دامان علی علیه السلام بود .

جبرئیل اذان و اقامه را گفت. رسول خدا برخاست و

فرمود: «ای علی، شنیدی؟»

علی علیه السلام پاسخ داد: «آری»

فرمود: «بلال را صدا بزن و آن را به او بیاموز»

علی علیه السلام نیز بلال را فرا خواند و اذان را به او آموخت .

امام صادق علیه السلام فرمود :

هنگامی که جبرئیل اذان و اقامه را از سوی خداوند بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل کرد، سر مبارک پیامبر در دامان علی علیه السلام بود .

جبرئیل اذان و اقامه را گفت. رسول خدا برخاست و

فرمود: «ای علی، شنیدی؟»

علی علیه السلام پاسخ داد: «آری»

فرمود: «بلال را صدا بزن و آن را به او بیاموز»

علی علیه السلام نیز بلال را فرا خواند و اذان را به او آموخت .

امام صادق علیه السلام فرمود :

هنگامی که جبرئیل اذان و اقامه را از سوی خداوند بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل کرد، سر مبارک پیامبر در دامان علی علیه السلام بود .

جبرئیل اذان و اقامه را گفت. رسول خدا برخاست و

فرمود: «ای علی، شنیدی؟»

علی علیه السلام پاسخ داد: «آری»

فرمود: «بلال را صدا بزن و آن را به او بیاموز»

علی علیه السلام نیز بلال را فرا خواند و اذان را به او آموخت .

